

بررسی و تحلیل نقش شکاف های قومی در بحران های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب در راستای کارآمدی نظام در مناطق مرزی (مطالعه موردی: مرزهای غربی)

علی عبدالله نژاد^۱، حیدر لطفی^۲، مجید کریم پور^۳، علی اصغر اسماعیل پور روشن^۴

چکیده

نقش شکاف های قومی در بحران های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب به ویژه در مرزهای غربی بسیار پررنگ و تاثیرگذار بوده است. در نظر گرفتن تنوع و گستردگی در آرایش فضای مناطق غرب کشور، برای بررسی هویت طلبی قومی در مقیاس وسیع، پیمایش مناسب ترین روش محسوب می شود. هدف اصلی این مقاله عبارت است از تبیین و تحلیل نقش شکاف های قومی در بحران های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب با تاکید بر مرزهای غربی است. سؤال اصلی مقاله این است که نقش شکاف های قومی در بحران های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب به ویژه در مرزهای غربی دارای چه فرصت ها و تهدیدات و نیز قوت ها و ضعف هایی بوده است؟ در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی با دو هدف توصیف و تبیین استفاده شده است. در زمینه توصیف، هدف نشان دادن تصویری از چگونگی جامعه آماری بر اساس متغیرهای مدنظر به ویژه از نظر ابعاد هویت طلبی قومی و نوع غالب آن است. در مقیاس تحلیل یا تبیین نیز هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و تلاش برای تبیین تغییرات یا به عبارت بهتر، واریانس متغیر وابسته براساس متغیرهای مستقل است. در این پژوهش برای سنجش متغیرها از ابزار پرسش نامه استفاده شده است. نتایج این مقاله نشان می دهد که شکاف های قومی جدای از بحران جدایی طلبی و استقلال می تواند بحران های ژئوپلیتیک دیگری از جمله بحران توسعه، بحران انزوای جغرافیایی و بحران مشارکت را به وجود آورد.

واژگان کلیدی: شکاف های قومی، بحران های ژئوپلیتیکی، مناطق مرزی، مرزهای غربی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (Email: a.abdollahnezhad@salcocompany.com)

^۲ دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول) (Email: d.lotfi.garmsar023@gmail.com)

^۳ دانشیار گروه منابع طبیعی و کشاورزی، دانشگاه تهران، ایران (Email: mrihan@ut.ac.ir)

^۴ استادیار جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (Email: roshanp.1252@yahoo.com)

مقدمه

ایران جزء کشورهایی است که از اقوام گونه‌گونی در ترکیب جمعیتی خود برخوردار است. هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از موضوعات مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهای پلی‌اتنیک یا کثیرالاقوام با آن مواجه‌اند. تعدد و تنوع قومی، چالش‌هایی را در قالب تهدید یا فرصت برای حکومت مرکزی به ارمغان می‌آورد که متناسب با مبانی تئوریک و نظری حکومت یا ایدئولوژی غالب با آن مواجه می‌شود (احمدی، ۱۳۷۹). اگر تنوع قومی تهدیداتی همچون واگرایی، تجزیه طلبی یا خودمختاری خواهی را می‌تواند به همراه داشته باشد. فرصت‌های جدیدی را نیز ایجاد می‌کند که با شناخت و مدیریت آنها می‌توان تهدیدات را به فرصت بدل نمود (Juergesmeyer, 1993). یکی از فرصتهایی که تنوع قومی می‌تواند ایجاد کند امکان توسعه نقش منطقه‌ای دولتها بویژه زمانی که زبان‌های قومی، کشورهای همجوار و شاید چند کشور را در بر بگیرد (احمدی، ۱۳۸۳). ایران اسلامی از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی در ساختار جمعیتی خود برخوردارند (Ahamad, 2003). با این تفاوت که در اغلب کشور های پلی‌ژنیک همانند کانادا، آمریکا و کشورهای اروپایی، تنوع قومی محصول مهاجرت اقوام مختلف به این کشورها است ولی ایران جزء معدود کشورهایی است که اقوام مختلف همگی بومی این سرزمین‌اند و ذاتاً به ایران و سرزمین خود دلبستگی و تعلق خاطر دارند (اسلامی، ۱۳۸۹).

تعدد و تنوع قومی در ایران به گونه‌ای است که میتوان جامعه پلی‌اتنیک یا کثیرالاقوام را بر آن اطلاق نمود. هر چند این اقوام در طول تاریخ در نضج و شکوفایی تمدن ایرانی سهم بوده‌اند و در مقاطع تاریخی از کیان مملکت و تمامیت آن دفاع کرده‌اند؛ اما به رغم همزیستی و همدلی و ایثارها، در مقاطعی از تاریخ کشور، این همزیستی به چالش کشیده شده و مناسبات بین دولت و اقوام، تبدیل به منازعه و کشمکش گردیده است (اطاعت، ۱۳۸۶). موضوعی که با نگاه به تاریخ یکصد ساله اخیر شواهد متعددی می‌توان بر آن یافت (Andeson & Stansfield, 2004). بحران‌های قومی در یکصد ساله اخیر را شاید بتوان در سه مقطع تاریخی دسته‌بندی نمود: بحران قومی پس از انقلاب مشروطه؛ مجموعاً هفت بحران قومی و منطقه‌ای در این مقطع می‌توان احصاء نمود که عبارتند از قیام سمیتقو در کردستان، قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، نهضت جنگل در گیلان، قیام محمد تقی خان پسیان و شورش خداوردی خان در خراسان، بحران جدایی طلبی بلوچستان به رهبری دوست محمدخان و غائله شیخ خزعل در خوزستان دهه ۱۳۲۰ خورشیدی از متلاطم‌ترین ادوار تاریخ سیاسی ایران بشمار می‌آید اشغال نظامی ایران توسط نیروهای انگلیسی، آمریکایی و روسی، برکناری و تبعید رضاشاه و روی کار آمدن محمد رضا پهلوی، ظهور احزاب سیاسی، تشکیل کابینه‌های متعدد، اعلام حکومت نظامی در تهران و وقوع بحران‌های قومی متعدد در صحنه سیاسی ایران مشهود است (افتخاری، ۱۳۷۷).

در این میان بحران آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری و بحران کردستان و تشکیل حزب دمکرات در مهاباد به رهبری قاضی محمد تأمل برانگیزتر و نیازمند بررسی‌های بیشتر است. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی زنجیره‌ای از مناقشات قومی نیز رخ نموده است (افتخاری، ۱۳۷۸). غائله کردستان و بحران قومی در آن، درگیری‌های ترکمن صحرا و ناآرامی‌های آذربایجان، مناقشات بلوچستان و تنش‌های خوزستان در دهه آغازین انقلاب و چالش‌های قومی اخیر در خوزستان، بلوچستان و آذربایجان بخش دیگری از مناقشات قومی در ایران معاصر هستند. هدف اصلی این مقاله عبارت است از تبیین و تحلیل نقش شکاف‌های قومی در بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب با تأکید بر مرزهای غربی است. سؤال اصلی مقاله این است که نقش شکاف‌های قومی در بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب به ویژه در مرزهای غربی دارای چه فرصت‌ها و تهدیدات و نیز قوت‌ها و ضعف‌هایی بوده است؟ با در نظر گرفتن تنوع و گستردگی در آرایش فضای مناطق گردنشین، برای بررسی هویت‌طلبی قومی در مقیاس وسیع، پیمایش مناسب‌ترین روش محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی با دو هدف توصیف و تبیین استفاده شده است. در زمینه توصیف، هدف نشان‌دادن تصویری از چگونگی جامعه آماری براساس متغیرهای مدنظر به ویژه از نظر ابعاد هویت‌طلبی قومی و نوع غالب آن است. در مقیاس تحلیل یا تبیین نیز هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و تلاش برای تبیین تغییرات

یا به عبارت بهتر، واریانس متغیر وابسته براساس متغیرهای مستقل است. در این پژوهش برای سنجش متغیرها از ابزار پرسش نامه استفاده شده است.

فرضیه های پژوهش

الف- فرضیه اصلی

❖ به نظر می رسد که نقش شکاف های قومی در بحران های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب به ویژه در مرزهای غربی بسیار پررنگ و تاثیر گذار بوده است.

ب- فرضیه های فرعی

۱. بین میزان توسعه مناطق و هویت طلبی قومی به طور معناداری رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان ارتباطات درون قومی و هویت طلبی قومی رابطه وجود دارد.
۳. میزان ارتباطات بین قومی - فرهنگی و هویت طلبی قومی به طور معناداری باهم رابطه دارند.
۴. بین میزان استفاده از رسانه ها (داخلی - قومی) و هویت طلبی قومی به طور معناداری رابطه وجود دارد.
۵. میزان همبستگی قومی و هویت طلبی به طور معناداری با یکدیگر رابطه دارند.
۶. بین میزان الگوپذیری از نخبگان قومی و هویت طلبی قومی به طور معناداری رابطه وجود دارد.
۷. میزان احساس تبعیض و هویت طلبی قومی به طور معناداری باهم رابطه دارند.
۸. موقعیت جغرافیایی و هویت طلبی قومی به طور معناداری با یکدیگر رابطه دارند.
۹. متغیرهای زمینه ای (سن و میزان تحصیلات افراد) و هویت طلبی قومی به طور معناداری باهم رابطه دارند.
۱۰. بین مختصات شهرهای بررسی شده (مذهب و موقعیت جغرافیایی) و هویت طلبی قومی به طور معناداری رابطه وجود دارد.

رویکرد نظری

ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا سیاست شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن جیوپالیٹیکس^۱، در آلمانی به خاستگاه اصلی آن، گئوپولیتیک^۲ و در فرانسوی ژئوپولیتیک^۳ اطلاق شده است (افضل و ضرغامی، ۱۳۸۸). در اصطلاح، ژئوپلیتیک رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش گویی رفتار سیاسی و توانایی های نظامی بر حسب محیط طبیعی است؛ بنابراین، رویکرد ژئوپلیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی است (امیدی، ۱۳۸۱). به طور خلاصه معنای لغوی ژئوپلیتیک سیاست زمینی است. در فرهنگ لغت لاروس فرانسه در تعریف از ژئوپلیتیک آمده است که دانشی است که روابط بین جغرافیای دولت ها و سیاست های آن ها را مورد بررسی قرار می دهد (Bobby, 1999). اصولاً ژئوپلیتیک درصدد تبیین این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی بر روابط کشورها و تلاش آن ها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران مؤثر است (ایوبی، ۱۳۷۷). این واژه برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کلین استاد علوم سیاسی دانشگاه اوپا لا که تحت تأثیر کتاب جغرافیای سیاسی فردریک راتزل و کتاب تأثیر نیروی دریایی در تاریخ آلفرد ماهان قرار داشت ارائه شد (برتون، ۱۳۸۰). منظور وی این واژه مطالعه ساختار جغرافیایی حکومت بود (Glanser and Strauss, 1993). در طول نیمه اول قرن بیستم واژه ژئوپلیتیک به عنوان یکی از موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی عمدتاً به نقش عوامل جغرافیایی در تعیین سیاست خارجی یک کشور اشاره داشت و نظریه هایی هم که در این دوره توسط علمای ژئوپلیتیک ارائه شد مثل هارتلند میکندر، فضای حیاتی هوس هوفر و ریملند اسپایکمن

¹ Geopolitics

² Geopolitike

³ geopolitique

ناظر بر همین معنا بود (بشیریه، ۱۳۸۳). در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و شکست آلمان نازی، مطالعات ژئوپلیتیکی به دلیل ذهنیت نامطلوبی که در ارتباط با حزب نازی و ژئوپلیتیک خاص آلمان به وجود آمده بود متوقف شد و جغرافیدانان آمریکایی به ویژه تمرکز مطالعاتی خود را در سطح حکومت و چگونگی حفظ تمامیت ارضی آن قرار دادند (بنی هاشم، ۱۳۸۲).

تنها کتاب سائول کوهن که تحت عنوان جغرافیا و سیاست بین الملل و خصوصیات جغرافیایی کشورها وجود دارد تعریف نموده که به تعاریف سنتی از این اصطلاح نزدیک بود (Jaber, 2003). در سال‌های دهه ۱۹۷۰ اگرچه واژه ژئوپلیتیک به دلیل کاربرد فراوان آن در سخنرانی توسط کسینجر احیاء شد ولی وضعیت محتوای جغرافیایی آن مشخص نبود. در همین سال‌ها ایولاکست جغرافی دان فرانسوی در انتشارات خود تعریف دقیق تری از اصلاح ژئوپلیتیک ارائه داده درگیری و رقابت میان گروه‌ها بر سر سرزمین نه فقط به دلیل اقتصادی بلکه به دلیل تاریخی، ملی و روانی، بنابراین ایولاکست مطالعات ژئوپلیتیک را نه فقط منحصر به مقیاس جهانی بلکه در مقیاس منطقه‌ای و درون کشوری هم ممکن می‌دانست (بنی هاشمی، ۱۳۸۱). ژئوپلیتیک به عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات در مکان و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون برانند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۵۶). رویکرد ژئوپولیتیک با درجات مختلف بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در امور تاریخی و سیاسی است. گروهی معتقدند که ژئوپولیتیک رابطه جغرافیای طبیعی و انسانی بر سیاست داخلی و خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد (Wimmer, 2003-2004). عده‌ای دیگر ژئوپولیتیک را رابطه‌ای بین عوامل طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند. برخی دیگر ژئوپولیتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می‌دانند و معتقدند ژئوپولیتیک مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند (بهرامی، ۱۳۸۶).

ژئوپلیتیک بر آن بخش از دانش جغرافیا تأکید می‌کند که با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد. در واقع جوهر ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می‌دهد. چه در فرایندهای تولید فضایی و جابجایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت، دانش ژئوپلیتیک است که به این مسائل می‌پردازد (Huntington, 1996). از این رو می‌توانیم ژئوپلیتیک را دانشی بدانیم که به مطالعه ابعاد فضائی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی، می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۲). ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند معطوف می‌دارد. در مطالعات ژئوپلیتیکی جغرافیدانان اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی به خصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت، منابع و غیره) و سیاست یک کشور سعی می‌کنند به تفسیر و قابل و رویدادهای تاریخی پرداخته، وقایع آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین نمایند به این ترتیب برای عوامل جغرافیایی اهمیت فراوان قابل بوده، آن عوامل را حاکم بر مقدرات و سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌دانند (پایروندی، ۱۳۹۲). برای مثال، یک واقعیت جغرافیایی مانند ذخایر معدنی و با یک گروه اقلیت قومی زبانی که محرک یک تصمیم‌گیری سیاسی در سطح بین‌الملل گردد یک عامل ژئوپلیتیک محسوب می‌گردد.

ژئوپلیتیک بخشی از علوم جغرافیایی است که به تحلیل مسائل منطقه‌ای و جهانی و ارتباط متقابل آن با ساختار اقتصادی و سیاسی محلی می‌پردازد. در ژئوپلیتیک یا سیاست‌های جغرافیایی که معنای لغوی آن سیاست زمین است نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود (پیشگامی فرد و آوج، ۱۳۸۸). جغرافیدانان سیاسی معتقدند قدرت به شدت متأثر از عوامل محیط جغرافیایی است چنین طرز تفکری یک پدیده نو نیست، بلکه ریشه در تاریخ دارد. از نظر عالمان این رشته تحول در چهره خارجی زمین موجب ایجاد روابط انسانی متنوعی شده است (Martin, 2004). لذا برای ارائه تحلیل واقع بینانه‌ای درباره ژئوپلیتیک باید برای داده‌های طبیعی اهمیتی محدود قائل شویم. تحولات و دگرگونی‌هایی که در تاریخ سیاسی واحدهای کوچک جغرافیایی به وجود آمده سبب شده که امروز دیگر ژئوپلیتیک تنها به معنای رقابت استراتژی‌ها در ابعاد جهانی نباشد (پیشگامی فرد، ۱۳۸۵). در

حقیقت ژئوپلیتیک مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعددی است که در سرزمین هایی با ابعاد کوچک به کشمکش می پردازند هدف آنان از این کشمکش ها یا اثبات تفوق سیاسی خود یا بیرون راندن رقبای سیاسی از صحنه است (Romano, 2002). بنابراین در هرگونه تحلیل که بر مبنای قواعد ژئوپلیتیکی استوار باشد ناگزیر باید دو دسته از اطلاعات را جمع آوری و مورد بررسی قرار داد (جلایی پور، ۱۳۷۲).

۱. ادراک تقابل استراتژی ها یا فهم فضایی قدرت های دیگر.

۲. ویژگی های مکان ها و سرزمین های که صحنه اصلی رقابت قدرت به شمار می روند.

عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک

استراتژی ملی کشورها فقط بستگی به تمایلات، افکار و عقاید رهبران و کارگزاران ارشد سیاسی ندارد، بلکه عوامل متعدد جغرافیایی (ژئوپلیتیک) در اتخاذ سیاست خارجی و استراتژی ملی کشورها مؤثر بوده، تأثیر این عوامل را خواه ناخواه باید پذیرفت (جلایی پور، ۱۳۷۲). عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند به دو دسته کلی، عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم بندی می گردند (Ramezanzadeh, 1994). عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشأ طبیعی داشته باشند به دلیل مطرح بودن نقش کمیت در آنها جزو عوامل متغیر محسوب می گردد (Amirahmadi, 1987). موقعیت جغرافیایی در بین عوامل ثابت و انسان در بین عوامل متغیر نقش دو قطب اصلی را در تحلیل های ژئوپلیتیکی ایفا می کنند (عزتی، ۱۳۹۰: ۵۲).

عوامل ثابت ژئوپلیتیک

موقعیت جغرافیایی

اساساً موقعیت عبارت است از: چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است. در حالی که موقعیت عمومی در مقیاس قاره ای، جهانی و منطقه ای تقسیمات دیگری دارد و از اهمیت زیادی برخوردار است (چلبی و یوسفی، ۱۳۸۰). موقعیت ریاضی یا خصوصی در مطالعات ژئوپلیتیکی کمتر بررسی می شود (همان منبع). به طور کلی می توان گفت که حدود شرکت و فعالیت هر کشور در امور بین المللی، اغلب به موقعیت جغرافیایی و ارتباط آن کشور با همسایگان خود اعم از کشورهای قدرتمند و ضعیف و هم چنین مناسباتش با دولت های بزرگ جهانی بستگی دارد (Olson, 1989). به عبارتی موقعیت جغرافیایی (اعم از موقعیت دریایی، موقعیت بری یا مرکزی و موقعیت استراتژیک) را شامل می شود (حاجیانی، ۱۳۸۰).

فضا و تقسیمات آن

در اصطلاح ژئوپلیتیک مفهوم فضا شامل سرزمین هایی است که انسان توانسته در آنجا سکونت گزیند و یا به گونه ای در آن دخل و تصرف کند. بنابراین قلمرو فضایی ژئوپلیتیک با توسعه و پیشرفت فناوری گسترش می یابد (حاجیانی، ۱۳۸۴).

وسعت خاک

وسعت خاک از نظر سیاسی اقتصادی و نظامی در سرنوشت کشورها اثر به سزایی دارد. چنانچه این وسعت با عوامل مساعد دیگری از قبیل حاصلخیزی خاک، آب و هوا، منابع طبیعی و جمعیت کمی و کیفی مناسب توأم گردد باعث قدرت و پیشرفت می گردد و نقش آن در مسائل جهانی بسیار تأثیر خواهد داشت (Entesar, 1992). امروزه طبق اعتقاد عمومی، وسعتی ایده آل است که با توزیع جمعیت آن هماهنگی داشته باشد؛ زیرا اگر وسعت کشوری زیاد ولی از جمعیت کمتری برخوردار است مسئله دفاع از آن کشور با مشکل مواجه خواهد شد (حاجیانی، ۱۳۸۸).

وضع توپوگرافی

توپوگرافی یا همان شکل خارجی زمین، شامل شکل مرزها، وضعیت شبکه آبها و وضعیت ناهمواریها می‌شود. در مباحث ژئوپلیتیک، مسائل توپوگرافی با عنایت به مرزها و شبکه آبها و ناهمواریها بدان لحاظ مورد مطالعه قرار می‌گیرند که عوامل موثر بر شکل‌گیری مسائل سیاسی و نظامی کشورها هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۱).

شکل کشور

عامل مهم دیگری که در سرنوشت سیاسی کشورها سهم بسزایی دارد شکل هندسی آنهاست مقصود از شکل هندسی فاصله قطره‌ای یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. مهمترین تاثیر شکل هندسی، در نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است (Fenton, 2004). با توجه به گوناگونی شکل هندسی کشورها، گردانندگان حکومت هر کشور با مسائل و مشکلات ویژه‌ای در این خصوص مواجهند (عزتی، ۱۳۲۰: ۱۳۹۰). به طور کلی شکل جغرافیایی واحدهای سیاسی در ارتباطات، وحدت ملی، ملاحظات دفاعی و در ارزیابی قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد. کشورها از نظر شکل هندسی به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

الف- کشورهای طویل یا دراز (شیلی)

ب- کشورهای دایره‌ای یا مدور (فرانسه)

ج- کشورهای دارای زایده یا دنباله‌دار (افغانستان)

ه- کشورهای پاره پاره (اندونزی)

و- کشورهای منگنه‌ای یا محیطی (آفریقای جنوبی) (حق پناه، ۱۳۷۷).

عوامل متغیر ژئوپلیتیک

جمعیت و انسان

یکی از عوامل مهم و موثر در ژئوپلیتیک و به تبع آن سیاست داخلی و خارجی کشورها عامل جمعیت است که اثرات آن از نظر کمی و کیفی قابل بررسی است (Langue, Ethnicity and intergroup relations, 1997). ساده‌ترین شکل مطالعه جمعیت کشورها از دیدگاه ژئوپلیتیک، مطالعه نحوه توزیع جغرافیایی آنهاست (حق پناه، ۱۳۸۲). آنچه بدیهی است در تجزیه و تحلیل جمعیت نباید تنها به جنبه‌های کمی توجه کرد زیرا مهمترین عامل در ژئوپلیتیک، انسان است. زیرا تمام پدیده‌های محیط طبیعی چه ثابت و چه متغیر، در یک قطب و انسان به تنهایی در قطب دیگر قرار دارد (حق پناه، ۱۳۸۹).

منابع طبیعی

ارزش حقیقی و واقعی هر کشوری به فراوانی و کیفیت منابع بستگی دارد. ثروت یک کشور وابسته به طرز استفاده آن کشور از منابع و تولیدات خود است (Koivunen, 2002). منابع طبیعی به عنوان عامل متغیر، ژئوپلیتیک کشورها را تحت تاثیر قرار میدهد. این منابع از حیث اینکه اساس قدرت اقتصادی به حساب می‌آیند به طور غیر مستقیم در قدرت نظامی نیز دخالت دارند، لذا در تعیین قدرت سیاسی یک کشور نقش اساسی ایفا می‌کند (خلیلی، ۱۳۸۴). منابع طبیعی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

❖ منابع غذایی

❖ منابع معدنی

نهادهای سیاسی و اجتماعی

عوامل اساسی ژئوپلیتیک که مطالعه شد، باعث ایجاد زیربنای اجتماعی و نهادهای سیاسی و فراهم آمدن زمینه اتخاذ خط مشی سیاسی می‌شوند (Giles, 1997). نهادهای اجتماعی بر پایه رژیم سیاسی، سازمان اقتصادی، عادات، تاریخ و اعتقادات یک ملت پایه‌گذاری می‌شوند و از آنجا که در بسترهای جغرافیایی متنوعی بوجود می‌آیند با یکدیگر تفاوت دارند. هر چه عوامل همبستگی نهادهای اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر باشد، آن جامعه کمتر مورد اعمال نفوذ سوء استفاده مادی و معنوی سیاستهای خارجی قرار

خواهد گرفت؛ و به عبارتی تمام عوامل موثر بر سیاستهای جغرافیایی در بافت سیاسی و اجتماعی معنا و مفهوم پیدا می کنند (قادرزاده، ۱۳۸۸).

محیط شناسی پژوهش

ایران بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و عراق مرز مشترک - (خشکی) دارد (مقصودی، ۱۳۸۰). ایران همچنین دارای ۲۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان می باشد. ایران طولانی ترین مرز را با عراق و کوتاه ترین مرز را با ارمنستان دارد (Guibernau, 2001). از ۳۱ استان ایران، ۱۶ استان مرزی هستند که از میان آنها، ۹ استان تنها مرز زمینی (اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی) دارند (مک داوول، ۱۳۸۳). ۳ مورد از آنها فقط از راه دریا (مازندران، هرمزگان و بوشهر) مرز دارند و ۴ استان هم هر دو مرز زمینی و دریایی (گیلان، گلستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان) را دارا می باشند (Smith, 1998). ایران با ۵۴۴۰ کیلومتر مرز زمینی، بیست و هفتمین کشور جهان از نظر طول مرزهای زمینی است (مالشویچ، ۱۳۹۱). این ۵۵۰۰ کیلومتر سهم مشترکی است با هفت کشور دیگر. ارمنستان که مرز ۳۵ کیلومتری آن حتی کوتاه تر از فاصله تهران - کرج است، آذربایجان که با احتساب نخجوان، مرزی به طول ۴۳۲ کیلومتر دارد و ترکیه که مرزش ۴۹۹ کیلومتری است (Gurr and Scarritt, 1989). اینها مرزهای شمال غرب ایران است که در استان های آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل واقع شده اند (Hechter, 1975). در شرق اما مرزها کمی طولانی تر است، از مرز شمالی ۹۹۲ کیلومتری با ترکمنستان تا مرز ۹۳۶ کیلومتری افغانستان و مرز ۹۰۹ کیلومتری پاکستان؛ اما رکورددار مرزهای ایران، همسایه غربی است، یعنی عراق که ۱۴۵۸ کیلومتر با ایران مرز دارد و شاید همین مرز طولانی عامل مجادله دیر و دراز دو همسایه بر سر مرزهایشان شده است (Vali, 1998). استان های گیلان، اردبیل و آذربایجان شرقی با خاک اصلی جمهوری آذربایجان و استان های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی با جمهوری خودمختار نخجوان مرز مشترک دارند (Hechter and Kuyucu and Sacks, 2005).

مرز ایران و ترکیه

آذربایجان غربی تنها استان جمهوری اسلامی ایران است که با ترکیه مرز اشتراکی دارد. خط مرزی ایران - ترکیه، شامل دو گذرگاه مرزی از سمت غرب ایران در استان آذربایجان غربی به کشور ترکیه می باشد (احمدی، ۱۳۷۹). گذرگاه مرزی بازرگان که بیشتر برای ترانزیت استفاده می شود و گذرگاه مرزی رازی که خط آهن نیز از آن می گذرد و نزدیک ترین مسیر برای رفتن به شهر وان از شهر خوی است (احمدی، ۱۳۸۳). ایران و ترکیه ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند که قسمت اعظم آن را مناطق کوهستانی صعب العبور تشکیل می دهد و چهار استان آغری، ایگدیر، وان و حاکاری از ترکیه با استان آذربایجان غربی ایران هم مرز هستند (اسلامی، ۱۳۸۹). مرز بازرگان از مهمترین نقاط گمرک ایران است و در فاصله یک کیلومتری شهر بازرگان واقع در شهرستان ماکو در استان استان آذربایجان غربی قرار دارد (اطاعت، ۱۳۸۶). این گمرک در سال ۱۳۰۵ ساخته شده است که تنها مرز ۲۴ ساعته و بین المللی بین ایران و ترکیه می باشد. نام این گذرگاه از طرف کشور ترکیه «مرز گوربولاغ» می باشد. در سال ۱۳۱۸ به دلیل افزایش میزان مبادلات و مسافرین قرارداد احداث ساختمان مشترک گمرکات ایران و ترکیه کنار یکدیگر و در نقطه صفر مرزی به صورت مشابه منعقد گردید و به علت وقوع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ ساختمان گمرک ایران که نیمه تمام باقی مانده بود در طی سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ ساخته شده و گمرک بازرگان در همان محل شروع به کار کرد (افتخاری، ۱۳۷۷). در سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۷۷ نیز ساختمان های جدید، انبارها و منازل مسکونی و تأسیسات مورد نیاز احداث شد، در سال ۱۳۶۴ ساختمان های اداری گمرک بازرگان به مساحت ۴۴۱۸ مترمربع و در ۴ طبقه با زیر بنای ۹۱۱۹ مترمربع ساخته شد (افتخاری، ۱۳۷۸). مرز رازی خوی یا گمرک رازی خوی در بخش قطور واقع در شهرستان خوی در فاصله ۷۵ کیلومتری شهر خوی و ۵ کیلومتری شهر قطور قرار دارد. این مسیر به لحاظ مسافت و امنیت راهها (امنیت جاده ای و امنیت نظامی) مسیر امنی می باشد (افضل و ضرغامی، ۱۳۸۸). کسانی که بنا به دلایل تجاری و سیاحتی،

قصد سفر به شهر وان ترکیه را دارند، مرز زمینی رازی به لحاظ امنیت و مسافت کوتاه تر به وان توصیه می شود (امیدی، ۱۳۸۱). تا قبل از جنگ چالدران شهرهای وان تا دیار بکر از اراضی ایران بود؛ که پس از شکست ایران در جنگ چالدران این مناطق از ایران جدا شده و جزو قلمرو امپراتوری عثمانی محسوب گردیدند. به علت دوستی شدید و عقاید مشترک سیاسی بین آتاتورک و رضا شاه، هر دو رهبر مصمم به ارتقای روابط سیاسی و اقتصادی خود گردیدند؛ بنابراین راه آهن ایران را رضا شاه به راه آهن ترکیه از طریق مرز رازی متصل نمود (ایوبی، ۱۳۷۷).

مرز ایران و عراق

استان های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان با عراق مرز مشترک دارند. خط مرزی ایران-عراق نام خط مرزی ۱۴۵۸ کیلومتری بین دو کشور ایران و عراق می باشد که در جنوب از خط تالوگ ارون رود (در عراق به اسم شط العرب نامیده می شود) شروع می شود و در نقطه سه گانه مرز ایران، عراق و ترکیه در کوه دالمپر در شمال ختم می شود (بنی هاشم، ۱۳۸۲). استان های ایرانی خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی قسمتی از این مرز را در بر می گیرند. ایران در بین همسایگانش، طولانی ترین مرز را با عراق دارد (بنی هاشمی، ۱۳۸۱). قدمت این سرحد به عهدنامه زهاب یا عهدنامه قصر شیرین برمی گردد که بین امپراتوری عثمانی و صفویان در ۱۷ مه ۱۶۳۹ میلادی در شهر قصر شیرین عقد شد. این پیمان نامه به جنگی که از سال ۱۶۲۳ آغاز شده بود و همچنین به مبارزات ۱۵۰ ساله دو کشور که بیشتر بر سر اختلافات ارضی صورت می گرفت، پایان داد (بهرامی، ۱۳۸۶). این پیمان با شرط پیوستن ایروان در قفقاز جنوبی به ایران و پیوستن تمام سرزمین های میان رودان (در برگیرنده بغداد) به عثمانی انجام گرفت. با این حال این پیمان نامه پایان اختلافات مرزی میان ایران و عثمانی نبود. نشانه گذاری دقیق مرزهای این دو کشور در زمان تأسیس جمهوری ترکیه (پس از جنگ جهانی اول و از میان رفتن امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۸) میان سه کشور ایران، ترکیه و عراق صورت گرفت (پایروندی، ۱۳۹۲).



منبع: The Economist

شکل (۱): اقوام و مرزهای ایران

یافته های پژوهش
یافته های توصیفی

جدول (۱): جامعه آماری و حجم نمونه

ردیف	استان	شهر	جمعیت شهرستان	جمعیت شهری	جمعیت گروه سنی (۱۵-۶۴)	جمعیت شهری گروه سنی (۱۵-۶۴)	حجم نمونه
۱	کردستان	سنندج	۴۵۰۱۶۷	۳۷۵۲۸۰	۳۳۲۲۱۱	۲۸۰۳۸۸	۲۰۳
		قروه	۱۳۶۹۶۱	۸۷۷۹۲	۹۷۵۲۲	۶۳۳۳۷	۱۵۰
		بانه	۱۳۲۵۶۵	۹۰۳۰۴	۸۹۱۳۵	۶۱۲۲۸	۱۵۰
		جمع	۷۱۹۶۹۳	۵۵۳۳۷۶	۵۱۸۸۶۸	۴۰۴۹۵۳	۵۰۳
۲	آذربایجان غربی	مهاباد	۲۱۵۵۲۹	۱۴۸۲۳۰	۱۵۱۱۶۳	۱۰۵۴۲۵	۱۵۰
		سردشت	۱۱۱۵۹۰	۵۹۶۶۵	۷۴۶۰۱	۴۰۳۱۳	۱۵۰
		جمع	۳۲۷۱۱۹	۲۰۷۸۹۵	۱۵۵۷۶۴	۱۴۵۷۳۸	۳۰۰
۳	کرمانشاه	پاوه	۵۶۸۳۷	۳۰۲۴۲	۴۱۳۶۰	۲۲۲۷۷	۱۵۰
		جوانرود	۷۱۲۳۵	۵۱۴۸۳	۵۰۱۲۵	۳۶۸۰۷	۱۵۰
		جمع	۱۲۸۰۷۲	۸۱۷۲۵	۹۱۴۸۵	۵۹۰۸۴	۳۰۰
		جمع کل	۱۱۷۴۸۸۴	۸۴۲۹۹۶	۷۶۶۱۱۷	۶۰۹۷۷۵	۱۱۰۳

جمعیت نمونه، از لحاظ جنسیت ۴۸/۳ درصد زن و ۵۱/۷ درصد مرد بوده اند. از نظر وضع تأهل ۴۴ درصد مجرد، ۵۳/۱ درصد متأهل و ۲/۹ درصد نیز مطلقه بوده اند. میانگین سنی افراد نمونه ۳۵/۹ سال و انحراف معیار آن ۸/۵۴۷ بوده است. مذهب ۲۸/۱ درصد افراد نمونه شیعه بوده است و ۷۱/۹ درصد نیز سنی بوده اند. میزان تحصیلات افراد نمونه به این صورت بوده است: سواد خواندن و نوشتن ۱/۲ درصد، ابتدایی ۲/۱ درصد، راهنمایی ۸ درصد، دیپلم ۲۹/۳ درصد، کاردانی ۱۴/۹ درصد، کارشناسی ۳۱/۴ درصد، کارشناسی ارشد ۱۰/۹ درصد و تحصیلات در سطح دکتری ۲/۱ درصد. از لحاظ نوع فعالیت ۱۶/۲ درصد خانه دار، ۲/۷ درصد محصل، ۱۸/۳ درصد دانشجو، ۱۱/۴ درصد بیکار، ۳۸/۴ درصد شاغل تمام وقت و ۱۳ درصد از افراد نمونه شاغل نیمه وقت بوده اند. همچنین، توزیع درصدی جمعیت نمونه بر اساس میزان توسعه شهرها نشان می دهد ۲۸/۶ درصد جمعیت نمونه در شهرهای توسعه نیافته (سردشت و جوانرود) ۴۲/۸ درصد در شهرهای در حال توسعه (مهاباد، بانه و پاوه) و ۲۸/۶ درصد در شهرهای توسعه یافته (سنندج و قروه) بوده اند.

توصیف آماری هویت طلبی قومی

در جدول زیر میانگین و انحراف معیار شاخص های تشکیل دهنده هویت طلبی قومی آمده است. بر مبنای نتایج به دست آمده، میانگین هویت طلبی قومی معادل ۷۰/۲ است که بر اساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشتر از حد متوسط ارزیابی می شود. شاخص ترکیبی هویت طلبی قومی در ۹ درصد از جمعیت نمونه کم، در ۴۷ درصد جمعیت متوسط و در ۴۴ درصد آن زیاد است. گذشته از آن، میانگین هویت طلبی قومی و ابعاد آن در شهرستان سردشت (۷۹/۱۷ درصد) بیشترین میزان را داشته است و بعد از آن شهرهای مهاباد (۷۸/۶۴ درصد) پاوه (۷۶/۰۶ درصد) جوانرود (۷۴/۸۶ درصد) سنندج (۷۳/۰۱ درصد) بانه (۷۰/۵۷ درصد) و قروه (۶۰/۶۱ درصد) قرار گرفته اند. به تفکیک استان ها استان آذربایجان غربی با میانگین ۷۸/۹ درصد بیشترین رتبه هویت طلبی قومی را داشته است و بعد از آن، استان کرمانشاه با ۷۵/۴۶ درصد و کردستان با ۶۸/۱ درصد قرار گرفته اند.

جدول (۲): توصیف آماری شاخص هویت طلبی قومی و ابعاد آن

هویت طلبی قومی	گزینه ها	فراوانی	درصد خالص	میانگین	انحراف معیار
بعد فرهنگی	کم	۷۸	۱/۷	۳۱/۷۰	۵۳۵/۳
	متوسط	۴۹۵	۹/۴۴		
	زیاد	۵۳۰	۴۸		
	جمع	۱۱۰۳	۱۰۰		

۹۴۶/۴	۶۱/۶۹	۹	۹۹	کم	بُعد سیاسی
		۹/۴۸	۵۴۰	متوسط	
		۴۲	۴۶۴	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۰۳۲/۴	۸۶/۷۰	۷/۵	۶۳	کم	بُعد اقتصادی اجتماعی
		۲/۳۸	۴۲۱	متوسط	
		۱/۵۶	۶۱۹	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۶۶۴/۱۰	۲/۷۰	۹	۹۹	کم	شاخص هویت طلبی قومی
		۴۷	۵۱۹	متوسط	
		۴۴	۴۸۵	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	

* برای سهولت فهم، میانگین هویت طلبی قومی و ابعاد آن، بر مبنای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تنظیم شده که صفر به معنای کم‌ترین و ۱۰۰ به معنای بیشترین میزان هویت طلبی قومی است.

توصیف آماری متغیرهای مستقل

احساس تبعیض: بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین احساس تبعیض معادل ۶۳/۰۲ درصد است که بر مبنای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد احساس تبعیض، موقعیت احساس تبعیض سیاسی محوری اولویت دارد و پس از آن، احساس تبعیض فرهنگی و اقتصادی اجتماعی قرار گرفته‌اند.

الگوپذیری از نخبگان قومی: میانگین الگوپذیری از نخبگان قومی معادل ۶۴/۵۳ است که متوسط ارزیابی می‌شود. بنا بر اطلاعات جدول ۶ این الگوپذیری در ۱۶/۴ درصد جمعیت نمونه کم، در ۵۱/۶ درصد متوسط و در ۳۲ درصد زیاد بوده است.

همبستگی قومی: میانگین همبستگی قومی معادل ۷۴/۳۴ است که میزان آن زیاد است. میزان این همبستگی در ۱۱/۸ درصد جمعیت نمونه کم، در ۳۶/۶ درصد متوسط و در ۵۱/۶ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

روابط بین قومی: میانگین روابط بین قومی معادل ۴۸/۴۳ است که کمتر از میزان متوسط ارزیابی می‌شود. این روابط در ۳۵/۹ درصد جمعیت نمونه کم، در ۴۰ درصد متوسط و در ۲۴/۱ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

روابط درون قومی: میانگین روابط درون قومی نیز معادل ۵۸/۷۹ است که میزان آن متوسط محسوب می‌شود. این روابط در ۲۳/۶ درصد جمعیت نمونه کم، در ۵۱ درصد متوسط و در ۲۵/۴ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

استفاده از رسانه‌های داخلی: میانگین استفاده از رسانه‌های داخلی برابر با ۴۶/۵ درصد است که کمتر از مقدار متوسط ارزیابی می‌شود. استفاده از این رسانه‌ها در ۳۷/۸۶ درصد جمعیت نمونه کم، در ۵۱/۸ درصد متوسط و در ۱۰/۴ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

استفاده از رسانه‌های قومی: در پایان، میانگین استفاده از رسانه‌های قومی نیز معادل ۴۶/۸۵ است که کمتر از میزان متوسط محسوب می‌شود. بنا بر اطلاعات جدول، استفاده از این رسانه‌ها در ۲۷/۷ درصد جمعیت نمونه کم، در ۴۴/۴ درصد متوسط و در ۲۷/۹ درصد زیاد بوده است.

جدول (۳): توصیف آماری متغیرهای مستقل

انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	ابعاد متغیر	انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	ابعاد متغیر
۴/۱۳۰۸	۵۸/۷۹	۲۳/۶	۲۶۰	کم	روابط درون قومی	۹/۵۱۰۹	۶۳/۰۲	۹/۵	۱۰۵	کم	احساس تبعیض
		۵۱	۵۶۳	متوسط				۵۳/۵	۵۹۰	متوسط	

		۲۵/۴	۲۸۰	زیاد				۳۷	۴۰۸	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع				۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۵/۳۳۹	۴۶/۵	۳۷/۸	۴۱۷	کم	استفاده از رسانه های داخلی	۴/۷۷۵۲	۶۴/۵۳	۱۶/۴	۱۸۱	کم	الگوپذیری از نخبگان قومی
		۵۱/۸	۵۷۱	متوسط				۵۱/۶	۵۶۹	متوسط	
		۱۰/۴	۱۱۵	زیاد				۳۲	۳۵۳	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع				۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۱۳/۴۴۹	۴۶/۸۵	۲۷/۷	۳۰۶	کم	استفاده از رسانه های قومی	۴/۸۷	۷۴/۳۴	۱۱/۸	۱۳۰	کم	همبستگی قومی
		۴۴/۴	۴۵۹	متوسط				۳۶/۶	۴۰۴	متوسط	
		۲۷/۹	۳۰۸	زیاد				۵۱/۶	۵۶۹	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع				۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
								۳۵/۹	۳۹۶	کم	روابط بین قومی
							۴۰	۴۴۱	متوسط		
							۲۴/۱	۲۶۶	زیاد		
							۱۰۰	۱۱۰۳	جمع		

تفاوت میانگین هویت طلبی قومی بر حسب جنسیت

مطابق اطلاعات جدول (۴) مقدار t محاسبه شده (۱/۵۰۶) از مقدار t بحرانی با درجه آزادی ۱۱۰۱ کوچک تر و میزان t بحرانی برابر با ۱/۹۶ است؛ بنابراین، چنین نتیجه گرفته می شود که میانگین هویت طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت در زنان و مردان، به طور معناداری باهم تفاوت ندارند.

جدول (۴): تفاوت میانگین هویت طلبی قومی بر حسب جنسیت

هویت طلبی قومی	میانگین مردان	میانگین زنان	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
	۵۶/۶۷۵	۵۵/۷۱۱	۱۱/۰۸۴	۰/۹۰۶	۱/۵۰۶	۱۱۰۱	۰/۰۷۱

تفاوت میانگین هویت طلبی قومی بر حسب مذهب

طبق اطلاعات جدول (۵) مقدار t محاسبه شده (۱۸/۴) از مقدار t بحرانی با درجه آزادی ۱۱۰۱ بزرگ تر و مقدار t بحرانی برابر با ۱/۹۶ است؛ بر این اساس، نتیجه گرفته می شود که میانگین هویت طلبی قومی در افراد اهل سنت و اهل تشیع، به طور معناداری با یکدیگر تفاوت دارند. با توجه به میانگین اهل سنت (۵۸/۶۷۶) و میانگین اهل تشیع (۴۷/۶۴۲) و معنادار بودن اختلاف میانگین ها چنین ادعا می شود که هویت طلبی قومی در بین افراد اهل سنت بیشتر است.

جدول (۵): تفاوت میانگین هویت طلبی قومی بر حسب مذهب

هویت طلبی قومی	میانگین اهل سنت	میانگین اهل تشیع	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
	۵۸/۶۷۶	۴۷/۶۴۲	۱۰/۰۶	۹/۰۳۳	۱۸/۴	۱۱۰۱	۰/۰۰۰

تفاوت میانگین هویت طلبی قومی بر حسب میزان توسعه

جدول (۶) نتایج بررسی تفاوت میانگین هویت طلبی قومی را بر حسب میزان توسعه شهرهای مدنظر نشان می دهد که طبق اطلاعات آن، هویت طلبی گردها با میزان توسعه رابطه دارد؛ بنابراین، هر چه میزان توسعه ارتقا یابد، میانگین هویت طلبی قومی کاهش می یابد. مطابق نتایج بیشترین میانگین شاخص هویت طلبی قومی و ابعاد آن، در شهرهای توسعه نیافته است. بنا بر اطلاعات این جدول، مقدار F محاسبه شده (۰/۲۷۳) از مقدار F بحرانی بزرگ تر است؛ بنابراین، نتیجه گرفته می شود که میانگین هویت خواهی قومی در سه مقیاس توسعه، به طور معناداری باهم تفاوت دارند. همچنین، چنین ادعا می شود که بین میزان توسعه و هویت طلبی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۶): تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی بر حسب میزان توسعه

سطح معناداری	درجه آزادی	F	توسعه یافته (سندج و قروه)	در حال توسعه (پاوه، مهاباد و بانه)	توسعه نیافته (جوانرود و سردشت)	هویت‌طلبی قومی
۰/۰۰۰	۲	۶۰/۹۴۱	۶۹/۸۹	۷۵/۲۷	۷۷/۰۱۵	

یافته‌های تحلیلی

بر اساس اطلاعات جدول (۷) چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین عواملی چون میزان توسعه، فاصله تا مرز، همبستگی قومی، الگوپذیری از نخبگان قومی، میزان تحصیلات، سن، احساس تبعیض، روابط بین‌قومی، روابط درون‌قومی، مصرف رسانه‌های داخلی و قومی و هویت‌طلبی قومی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان توسعه، فاصله‌گیری از مرز، میزان تحصیلات، سن و مصرف رسانه‌های داخلی، هویت‌طلبی کاهش و با افزایش عواملی مانند الگوپذیری از نخبگان قومی، همبستگی قومی، احساس تبعیض، افزایش روابط بین‌قومی و درون‌قومی و مصرف رسانه‌های قومی، هویت‌طلبی قومی افزایش می‌یابد.

جدول (۷): ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با هویت‌طلبی قومی

هویت‌طلبی قومی	مقدار کندال	سطح معناداری	مقدار کاسکور	سطح معناداری
الگوپذیری از نخبگان قومی	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰	۵۳/۴۰۲	۰/۰۰۰
همبستگی قومی	۰/۵۸۶	۰/۰۰۰	۸۸۴/۰۸۸	۰/۰۰۰
روابط بین‌قومی	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۹۶/۷۴۵	۰/۰۰۰
روابط درون‌قومی	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰	۲۱۴/۳۶۳	۰/۰۰۰
احساس تبعیض	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰	۳۴۶/۳۴۱	۰/۰۰۰
مصرف رسانه‌های داخلی	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱۰۰/۳۵	۰/۰۰۰
مصرف رسانه قومی	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰	۲۱۳/۵۲	۰/۰۰۰
فاصله تا مرز	-۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۱۶۶/۳۸۸	۰/۰۰۰
سن	-۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۴۷/۱۴	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۰۷۷	۰/۰۰۵	۳۲/۴۳۹	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول (۸) نشان می‌دهد متغیر همبستگی قومی ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (هویت‌طلبی قومی) را تبیین کرده است و در مرحله بعد، متغیر الگوپذیری از نخبگان قومی به معادله اضافه می‌شود که قدرت تبیین را به ۶۴/۳ درصد می‌رساند. با اضافه شدن متغیر احساس تبعیض، قدرت تبیین معادله به ۶۵ درصد می‌رسد و همچنین، با اضافه شدن متغیر روابط درون‌قومی قدرت تبیین معادله ۶۵/۶ درصد می‌شود. در مرحله بعد، متغیر مصرف رسانه‌های داخلی وارد معادله شده که قدرت تبیین معادله را به ۶۶ درصد افزایش داده است. گذشته از آن، مصرف رسانه‌های قومی قدرت تبیین معادله را به ۶۶/۳ درصد رسانده و با اضافه شدن متغیر میزان توسعه‌یافتگی قدرت تبیین معادله به ۶۶/۶ درصد رسیده است. متغیر وارد شده بعدی میزان توسعه است که با افزودن آن قدرت معادله ۶۶/۶ درصد می‌شود و با اضافه شدن متغیر نوع مذهب نیز قدرت تبیین معادله ۶۶/۹ درصد شده است. همچنین، با اضافه شدن متغیر روابط بین‌قومی قدرت تبیین معادله به ۶۷/۱ درصد می‌رسد. آخرین متغیر وارد شده به معادله، متغیر میزان تحصیلات است که با افزودن آن، قدرت تبیین معادله به ۶۷/۳ درصد افزایش پیدا می‌کند. در کل، متغیرهای مستقل در معادله ۶۷/۳ درصد تغییرات هویت‌طلبی قومی را تبیین می‌کنند.

جدول (۸): نتایج تحلیل رگرسیون هویت‌طلبی قومی

متغیرها	B	Se	Beta	t	F	sig	R square change
همبستگی قومی	۱/۱۶۵	۰/۰۴۵	۰/۴۷۹	۲۵/۸۷۱	۲۸۴۴/۹۶۱	۰/۰۰۰	۰/۶۰۰
الگوپذیری از نخبگان قومی	۰/۹۴۱	۰/۰۶۵	۰/۲۷۲	۱۴/۵۸۰	۱۹۶۹/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۶۴۳
احساس تبعیض	۰/۱۸۷	۰/۰۳۰	۰/۱۰۷	۶/۲۸۱	۱۴۰۷/۹۹۳	۰/۰۰۰	۰/۶۵۰

۰/۶۵۶	۰/۰۰۰	۱۱۲۰/۹۶۷	۶/۱۴۱	۰/۰۹۲	۰/۰۶۰	۰/۳۶۷	روابط درون قومی
۰/۶۶۰	۰/۰۰۰	۹۳۰/۹۸۷	-۳/۵۲۹	-۰/۰۵۳	۰/۰۴۶	-۰/۱۶۴	مصرف رسانه های داخلی
۰/۶۶۳	۰/۰۰۱	۷۸۸/۱۸۱	۳/۱۷۰	۰/۰۴۵	۰/۰۶۲	۰/۱۶۷	مصرف رسانه های قومی
۰/۶۶۶	۰/۰۰۴	۶۸۱/۳۹۴	-۲/۸۴۶	-۰/۰۳۸	۰/۰۴۲	-۰/۱۰۹	میزان توسعه
۰/۶۶۹	۰/۰۰۷	۵۹۹/۵۰۹	-۲/۳۲۴	-۰/۰۳۱	۰/۰۲۵	-۰/۰۷۱	مذهب
۰/۶۷۱	۰/۰۱	۵۳۴/۳۲۱	۲/۰۴۱	۰/۰۲۶	۰/۰۳۹	۰/۰۵۲	روابط بین قومی
۰/۶۷۳	۰/۰۱	۴۸۹/۷۱۴	-۲/۰۱۲	-۰/۰۲۶	۰/۰۲۴	-۰/۰۸۷	تحصیلات
-	۰/۰۰۰	-	۲۱/۱۰۸	-	۲۳/۳۰۳	۲۳/۴۸۱	مقدار ثابت

بیشتر کشورهای جهان از اقوام مختلف و متعدد تشکیل یافته اند و آن ها با حفظ آداب و رسوم و هویت های قومی خویش در کنار هم به صورت مسالمت زندگی کرده اند و حاکمیت های سیاسی هم به تنوع قومی و فرهنگی به عنوان یک نقطه قوت و سرمایه ی ارزشمند نگریده و از این تنوع در جهت رشد و بالندگی اقوام استفاده کرده اند؛ اما در برخی از کشورها این گونه گونی فرهنگی و قومی، گاهی موجب بروز خشونت های قومی و نزاع های داخلی گردیده است و بیشتر این درگیری ها و منازعات در کشورهای دارای تنوع قومی بر محور قومیت شکل گرفته است؛ طوری که بین سال های ۱۹۴۵-۱۹۸۹ گروه های قومی، حدود هشتاد جنگ چریکی و داخلی به راه انداخته است. گرچند تعدد و تنوع طایفه ها و اقوام، نزاع ها و خشونت ها را به وجود نمی آورند؛ بلکه سیاسی کردن ارتباطات قومی و نژادی است که خشونت و جنگ را در پی دارد و این آن چیزی است که در کشورهای سومالی، رواندا، انگولا و آفریقای جنوبی اتفاق افتاده است، با کمال تأسف سوء استفاده از مسایل قومی یکی از شگردهایی است که رهبران قومی و حاکمان به کار می برند تا به اهداف مورد نظرشان دست یابند.

گرچه برخی صاحب نظران حوزه مطالعات قومی، معتقدند که عدم وجود منازعات در آن دسته از جوامع چند قومیتی که فرایند تاریخی دولت سازی و ملت سازی را به طور اطمینان بخشی طی نکرده اند به منزله حصول امنیت ملی نمی باشد؛ اما مفروض ما این است که تهدیدات سیاسی و اجتماعی برای قومیت در شرایطی امکان بروز پیدا می کند که شکاف های سیاسی ناشی از هویت های گروهی قومی فعال شده باشد. چنان که «بوزان»، «تدگر» و دیگران نیز اشاره نموده اند؛ در چنین جوامعی رسالت ملت سازی، توسعه، امنیت و دیگر اهداف کلان ملی به طور فراگیری بر عهده دولت است. هر نوع تهدید و چالشی نیز از طرف اجزا مختلف جامعه، متوجه امنیت و کارکردهای دولت بوده و تمرکز بر کشمکش های درون جامعه بین دولت و سازمان های اجتماعی مانند گروه های قومی اجازه می دهد که فراگردهای تغییر اجتماعی و سیاسی با رویکرد جدیدی بررسی شود. مطالعات انجام شده در دوره جنگ سرد این مقوله را کمتر جدی و مهم تلقی می کردند. این همان رویکردی است که به عنوان «رویکرد نرم افزاری» به امنیت ملی در جهان سوم مفهوم بندی شده است. بنیان این رویکرد معتقدند که مشکل مشروعیت دولت ها، از هم گسیختگی اجتماعی یا فقدان یکپارچگی و ناتوانی در سیاست سازی از متغیرهای اصلی امنیت ملی در این کشورها است. باری بوزان نیز مهم ترین تهدیدات اصلی این جوامع را در سه مؤلفه تهدید نسبت به ایده دولت و کیفیت روابط دولت - ملت، تهدید نسبت به سازمان دولت و تهدید نسبت به وجود فیزیکی دولت توضیح می دهد.

نتیجه گیری

مساله قومیت در دنیای امروز یکی از مسائل بسیار رایج در عرصه سیاست و فرهنگ و جامعه است. در زبان روزمره واژه قومیت، هنوز دلالت به مسائل اقلیت ها و روابط نژادی دارد، اما فارغ از این نگاه عامیانه و سنتی به قومیت، علوم اجتماعی و بالخصوص انسان شناسی رویکردهای دقیق تر و عقلانی تری را در بررسی امر قومی تدوین کرده است. اهمیت یافتن مساله قومیت در انسان شناسی به حدی است که در ساختار تحلیلی انسان شناختی، واحد اساسی تحلیلی از قبیله به گروه قومی تغییر کرده است. قومیت گرایی در کشورهای جهان سوم که گویا فرایندی اجتناب ناپذیر است، جوامع رو به توسعه را با چالش های متعددی روبرو کرده و می کند. از ابعاد مهم این

رویارویی وضعیت بحران‌زای اقلیت‌های قومی در این جوامع است. بحرانی که می‌تواند تهدید و یا فرصت تلقی شود. در مجموع استحاله فرهنگی در فرایند یکسان‌سازی جهانی، بزرگترین خطری است که صاحب‌نظران برای آینده فرهنگها و خرده فرهنگها پیش‌بینی می‌کنند. تنوع قومی چالشهایی را برای کشورهای جهان سوم به همراه دارد که برخی در قالب تهدید و برخی دیگر به شکل فرصت ظهور و بروز می‌یابند. در کشورهای مختلف، چندپارگی و تشتت و تبدیل یک دولت - ملت به گروههای قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسئله امنیت ملی در جهان سوم می‌افزاید. شاید ناکام‌ترین موارد قابل‌لمس در کشورهای جهان سوم، ایجاد یک حس مشترک عمومی درباره ارزشها و علائق ملی باشد؛ و طبیعتاً ارزشهای گروههای غالب به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار بروز می‌کند، مثل جنبشهای تجزیه طلب که این موارد هسته اصلی نا امنی داخلی را تشکیل می‌دهد. قومیت در جهان امروز ابعاد وسیع و روزافزونی پیدا نموده است. از شگفتگی‌های دهه‌های اخیر این است که ظهور انواع اختلاف‌های قومی و تأکید بر بنیادی‌ترین هویت ملی گروهی، وفاداری‌های قومی در بسیاری از مناطق و کشورهای جهان را می‌بینیم. روزگاری در اتحاد جماهیر شوروی سابق ۱۰۴ گروه قومی در قالب یک کشور واحد همزیستی می‌کردند. امروزه ۱۵ کشور مستقل قومی بر فراز جسد قدرت مذکور پرچم‌های خود را برافراشته‌اند. اروپا که اکنون قدرت خود را به طور نمادین با واحد پول مشترک به نمایش می‌گذارد متشکل از ۷۵ منطقه فرهنگی و قومی جداگانه است و به طور بالقوه به ۷۵ کشور تقسیم شده است. یکی از مباحثی که دائماً درباره موضوع قومیت مطرح بوده و انسان‌شناسی نیز به سهم خود در آن مشارکت داشته است، موضوع کهن بودن یا مدرن بودن مفهوم قومیت است. در این بحث گروهی بر آن هستند که قومیت همواره وجود داشته است و باید آن را پدیده‌ای فراتر از نظام خویشاوندی و انسجام دهنده به یک گروه انسانی دانست که با تکیه بر گروه بزرگی از نمادها، باورها و ذهنیت‌ها در طول زمانی بسیار طولانی شکل گرفته است؛ در حالی که گروه دیگر معتقدند که قومیت بیش از هر چیز حاصل مدرنیته بوده و باید آن را واکنشی در برابر پدید آمدن دولت‌های ملی دانست که به ویژه در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه عموماً بر محور یکی از اقوام موجود در پهنه سرزمینی خود به وجود آمده‌اند و این امر سبب شده است که اقوام دیگر این پهنه به صورتی واکنشی نسبت به هویت قومی خود آگاهی یافته و حرکات قوم‌گرا و حتی جدایی طلب را آغاز کنند. گاه نیز موضوع در قالب واکنشی نسبت به دخالت‌های استعماری و حتی به صورت دخالتی استعماری برای تضعیف دولت‌های کوچک جهان سومی مطرح شده است. جامعه جهانی در حالی واپسین سال‌های هزاره دوم را پشت سر گذاشت و وارد هزاره سوم شد که هویت‌های قومی، نژادی و زبانی اهمیت دو چندان یافتند و به جرات می‌توان گفت که تقریباً اکثر کشورهای دنیا با جنبش‌ها و ستیزهای قومی دست به گریبان هستند امروزه در دنیا ۸۰۰۰ قوم با ۶۷۰۰ زبان مختلف زندگی می‌کنند.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت در مناطق غربی ایران انجام شده است. بر مبنای نتایج حاصل شده، هویت‌طلبی قومی در منطقه مدنظر بیشتر از مقدار متوسط ارزیابی می‌شود و میزان آن در نزد گردهای اهل سنت، بیشتر است. کم بودن میزان هویت‌طلبی قومی در میان گردهای شیعه، نشان‌دهنده نقش جداکننده مذهب در شکاف قومی است. این نتیجه، با مطالعه برخی پژوهشگران با عنوان «مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در بین کردهای شیعه و سنی» هم‌سو است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). براساس این مطالعه، گردهای شیعه، هویت قومی خود را به صورت زیرمجموعه هویت ملی ایرانی تعریف می‌کنند. نوع قوم‌گرایی در میان گردهای سنی آشکارا خصولتی سیاسی دارد و یکی از مهم‌ترین مطالبات جنبش ناسیونالیسم قومی را در کردستان نشان می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان کرد شیعه بر حقوق فرهنگی قوم کرد تأکید کرده‌اند؛ درحالی که این حقوق بیشتر به مطالباتی همچون حفظ زبان و فرهنگ کردی مربوط می‌شود و از نظر آنها برآورده شدن این مطالبات بدون وجود حاکمیت سیاسی کردی نیز امکان‌پذیر است. این مسئله نقش و جایگاه محوری مذهب را در هویت جمعی منطقه مدنظر تأیید می‌کند. گذشته از آن، تأیید این رابطه از لحاظ نظری هم نقش‌آفرینی عوامل قدیمی (مذهب به صورت عامل ازلی در تکوین و تدام هویت‌خواهی قومی) را تأیید می‌کند و رویکرد قدیمی‌گرایان به شکل عاملی تمایزبخش به این مسئله توجه دارد.

بر مبنای نتایج تحقیق، احساس تبعیض به طور مستقیم با هویت طلبی قومی رابطه دارد. این نتیجه نیز نظریه ایسمن، دیوید مایر، گار و هچتر را تأیید می کند. به باور ایسمن، نابرابری اقتصادی به افزایش قوم گرایی منجر می شود؛ به این ترتیب، با توسعه اقتصادی تضاد قومی کاهش می یابد. طبق دیدگاه مایر نیز این نابرابری تعصب و تبعیض را مشروعیت می بخشد و به احساس تنفر از گروه حاکم و پرخاشگری علیه آنها و تقویت هویت طلبی قومی می انجامد. هچتر نیز برجسته شدن هویت های قومی و نژادی و ادغام گروه های قومی را در ارتباط با نوسازی نامتوازن تبیین می کند.

طبق نتایج یکی از مطالعات با عنوان «مدیریت شکاف های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران» شکاف های قومی در کردستان عمدتاً ساخت اجتماعی و اقتصادی داشته است. احساس محرومیت قوم کرد عمدتاً به دلیل وجود شکاف های مزبور و همچنین، برخی ضعف ها و کاستی های مدیریتی و بهره گیری نامناسب از ظرفیت های قانون اساسی جمهوری اسلامی در این زمینه است؛ بنابراین، برای برطرف کردن ضعف های موجود و اصلاح مدیریت شکاف قومی در کردستان، ابتدا باید مسیر کلی مدیریت شکاف های قومی با رویکردی کارآمدتر اجرایی و عملیاتی شود و این مسئله مبتنی بر رعایت اصل انصاف و عدالت و رفع نابرابری منجر به احساس محرومیت و همچنین، ظرفیت های قانون اساسی کشور است.

یافته های پژوهش نشان می دهد با افزایش الگوپذیری از نخبگان قومی هویت طلبی قومی شدت می یابد. این نتیجه دیدگاه های نخبه گرایانه را تأیید می کند. در چارچوب این رویکرد، قوم گرایی ناشی از نقش و ابتکار نخبگان قومی است. درحقیقت، نخبگان قومی از طریق تفسیر فشارهای ساختاری و تبدیل آن به باورهای تعمیم یافته و پیوند دادن نابرابری های اجتماعی موجود، با زمینه های فرهنگی در سیاسی شدن قومیت سهیم هستند. همچنین، با افزایش ارتباطات در مقیاس درون قومی و بین قومی بر شدت هویت طلبی قومی افزوده شده است. این مسئله رویکرد نظری و الکر کانر را تصدیق می کند که براساس آن، ارتباطات درون قومی و میان قومی هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می کنند. ارتباطات درون قومی در تقویت انسجام اجتماعی درون قومی تأثیر دارند؛ به طوری که با افزایش ارتباطات بین قومی امکان مقایسه اجتماعی و اقتصادی برای افراد مهیا می شود. در صورت وجود شکاف در میزان برخورداری مناطق، احساس تبعیض تقویت و به نوعی هویت طلبی قومی برجسته می شود.

طبق یافته های تبیینی، میزان هویت طلبی قومی در مناطق غرب متوسط متمایل به زیاد است. بیشتر مناطق اقوام غرب و به ویژه گردنشین جزو مناطق محروم و توسعه نیافته به شمار می آیند و مناطق و شهرهای بررسی شده از لحاظ موقعیت جغرافیایی و سیاسی در پیرامون و نیمه پیرامون این منطقه قرار دارند. مناطق غرب کشور هنوز توسعه را به طور کامل و با تمام ابعاد آن تجربه نکرده اند و عموماً مناطقی کمتر توسعه یافته به شمار می روند. شدت یافتن احساس تبعیض در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی با میزان توسعه مناطق گردنشین بی ارتباط نیست. با وجود اجرای برنامه های توسعه، مسیر و مختصات توسعه در بیشتر مناطق گردنشین در مقایسه با دیگر مناطق ایران، از جنبه های متفاوت با مشکل مواجه بوده است. به عنوان مثال، در حوزه اقتصادی مسائلی مانند بیکاری، اشتغال کاذب، قاچاق، خروج سرمایه های اقتصادی - انسانی بومی از مناطق قومی، در زمینه اجتماعی - فرهنگی مسائلی از قبیل بی سوادی، کم سوادی، مسئله بهداشت مخصوصاً در نواحی روستایی، تحولات ارزشی، تضعیف سرمایه اجتماعی و در حیطه سیاسی، غلبه نگاه امنیتی و سیاسی به مناطق گردنشین و ... گویای این واقعیت است که مناطق گردنشین در ایران هنوز از مشکلات توسعه ای جدی رنج می برند؛ بنابراین، باید در مناطق قومی به این امور به طور ویژه توجه شود: از بین بردن تبعیض و نابرابری، تسهیل و رفع موانع موجود بر سر راه سرمایه گذاری در حوزه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی، پیوند اقتصاد مناطق گردنشین با اقتصاد ملی، گسترش زیرساخت های توسعه و توزیع بهینه امکانات و ایجاد فرصت های اقتصادی.

منابع

۱. احمدی، حمید(۱۳۷۹)، قومیت و قوم گرایی در ایران، از افسانه تا تاریخ، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
 ۲. احمدی، حمید(۱۳۸۳)، هویت، ملت، قومیت، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳
 ۳. اسلامی، علی رضا(۱۳۸۹)، قومیت و ابعاد آن، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۴، ۱۳۸۹
 ۴. اطاعت، جواد(۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، انتشارات سفیر.
 ۵. افتخاری، اصغر(۱۳۷۷)، امنیت ملی رهیافت و آثار، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲، ۱۳۷۷.
 ۶. افتخاری، اصغر(۱۳۷۸)، حوزه ناامنی، بنیادهای فرهنگی مدیریت استراتژیک و مقوله امنیت داخلی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، ۱۳۷۸
 ۷. افضل، رسول و برزین ضرغامی(۱۳۸۸)، تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران، نشریه جغرافیا، ش ۷، ۱۳۸۸.
 ۸. امیدی، علی(۱۳۸۱)، خودمختاری و مدیریت مناقشات سیاسی جوامع دارای اقلیت قومی، پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دی ماه، ص ۵۴.
 ۹. ایوبی، حجت اله(۱۳۷۷)، شکاف قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱، ۱۳۷۷
 ۱۰. بشیریه، حسین(۱۳۸۳)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی ایران، تهران: موسسه تحقیقات و علوم انسانی، ۱۳۸۳
 ۱۱. بنی هاشم، میر قاسم(۱۳۸۲)، شان قومیت و ناسیونالیسم قومی در مطالعات امنیت ملی، نشریه علوم سیاسی، ش ۲۱، ۱۳۸۲.
 ۱۲. بنی هاشمی، میر قاسم(۱۳۸۱)، چشم انداز آتی ناسیونالیسم قومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۶، ۱۳۸۱
 ۱۳. بهرامی، قدرت اله(۱۳۸۶)، قومیت گرایی در کردستان، نشریه علوم سیاسی، ش ۱۴، ۱۳۸۶
 ۱۴. پیروندی، محمدرضا(۱۳۹۲)، بنیادگرایی و سنت گرایی، تهران: نشر افلاک.
 ۱۵. پیشگامی فرد، مریم و آوج، امید(۱۳۸۸)، ارتباط بین پراکندگی قومی ایرانی و امنیت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۱، ۱۳۸۸.
 ۱۶. پیشگامی فرد، زهرا(۱۳۸۵)، تحلیل چالش های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی، پژوهش های جغرافیایی، سال سی و هشتم، ش ۵۷ (پاییز ۱۳۸۵)، ص ۷
 ۱۷. جلائی پور، حمید رضا(۱۳۷۲)، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲
 ۱۸. جلائی پور، حمیدرضا(۱۳۷۲)، کردستان، علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
 ۱۹. چلبی، مسعود، یوسفی، علی(۱۳۸۰)، روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره: ۱۳۸- ۳۲
 ۲۰. حاجیانی، ابراهیم(۱۳۸۰)، مسأله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره: ۱۳۷۳- ۱۷۷
 ۲۱. حاجیانی، ابراهیم(۱۳۸۴)، چالش های هویت در آمریکا (نقد و بررسی اثر ساموئل هانتینگتون)، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۴- ۱۸۱- ۱۹۳
 ۲۲. حاجیانی، ابراهیم(۱۳۸۸)، الگوی سیاست قومی در ایران، مطالعات راهبردی، ش ۱۶، ۱۳۸۸
 ۲۳. حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
 ۲۴. حق پناه، جعفر(۱۳۷۷)، جامعه مدنی و قومیت در جمهوری اسلامی ایران، نشریه علوم سیاسی، ش ۲، ۱۳۷۷
 ۲۵. حق پناه، جعفر(۱۳۸۲)، روند تدوین سیاست قومی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، ش ۱، ۱۳۸۲
 ۲۶. حق پناه، جعفر(۱۳۸۹)، الگوی تحلیل نقش قومیت بر سیاست خارجی با تأکید بر خاورمیانه، نشریه سیاست، ش ۲، ۱۳۸۹.
 ۲۷. خلیلی، محسن(۱۳۸۴)، بررسی مقایسه ی قومیت در قوانین اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی، نشریه حقوق اساسی، ش ۱۵، ۱۳۸۴
 ۲۸. دیو سالار، مجید(۱۳۸۷)، امنیت ملی و تهدیدات قومی، مجله پگاه، ش ۱۲۵، ۱۳۸۷
 ۲۹. قادرزاده، ا. (۱۳۸۸)، هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق، مقاله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۳۰. الماشویح، س. (۱۳۹۱)، جامعه شناسی قومیت، ترجمه: یعقوب احمدی و حسین محمدزاده، کرمانشاه: انتشارات جهاد دانشگاهی.
 ۳۱. مقصدی، م. (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
 ۳۲. مک داول، د. (۱۳۸۳)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
1. Ahamad, Hashim (2003). Military Power and State Formation in Modern Iraq, Middle East policy, Vol .10, No.4.
 2. Amirahmadi, H. (1987) "A Theory of Ethnic Collective Movements and Its Application to Iran", Ethnic and Racial Studies, 10(4):363-391.

3. Andeson, Liam, Stansfield, Gareth (Winter 2004), "the Futuer of Iraq: Dictatorship, Democracy, or Division? The Washington Quarterly, Vol. 27, No.1
4. Bobby, Sayyid, S. (1999) "Sign O'times Kaffirs and Infidels Fighting the Ninth Crusade", in Ernesto Laclau, *The Making of Political Identities*, London: Iverso.
5. Entesar, N. (1992) *Kurdish Ethnonationalism, the United States of America*: Lynne Rienner Publishers.
6. Fenton, S. (2004) "Beyond Ethnicity: The Global Comparative Analysis of Ethnic Conflict". *International Journal of Comparative Sociology*, 45 (3-4): 179-194.
7. Giles, H. (1997) *Languge, Ethnicity and intergroup relations*, London, European association of experimental social psychology.
8. Glanser, B. G. and A. L. Strauss, 1993, "The Discovery of Grounded Theory". Chicago, , Ill.: Aldine-
9. Guibernau, M. (2001) *Globalization and Nation-State*. In Guibernau, M & Hutchinson, j (Eds) *Understanding Nationalism*, Cambridge: Polity Press.
10. Gurr, T. and Scarritt, J. R. (1989) "Minorities at Risk: A Global Survey". *Human Rights Quarterly*, 11(3): 375-405.
11. Hechter, M. (1975) *Internal Colonialism: The Celtic Fringe in British Nional Development, 1536-1966*, London and Henley: Routledge & Kegan Paul.
12. Hechter, M. and Kuyucu, T. and Sacks, A. (2005) *Nationalism and Direct Rule*" in Delanty, G and Kumar, K. (Eds)., *Hanbook of Nations and Nationalism*. London: Sage.
13. Huntington ,Samuel (1996) *the clash of civilization* ,Simon and schuster ,New York.
14. Jaber, Fala (2003) *the Shite Movement in Iraq* London: London University.
15. Jones ,martin and others (2004) *an introduction to political geography: spase ,place and politics* , Rudlication.
16. Juergesmeyer, Mark (1993) *Antifundementalism, Influidementalism Comprehend*, Deeds, Chicago University Press.
17. Koivunen, K. (2002) "Premodern People Using Postmodern Technology". *The 5th Conference of The European Sociological Association*.192-288.
18. Languge, Ethnicity and intergroup relations. (1997) Giles. *Hassociation of experimental social psychology*, London, European.
19. Mouhle, Naima (2006)"*Memories of State:politics,History,and Collective Identity in Iraq*", *Journal of Pease Research*, Vol.43,No.493
20. Olson, R. (1989) *The Emergency of Kurdish Nationalism, and the Sheikh Said Rebellion*, University of Texas, Austin.
21. Ramezanzadeh, A. (1994) *Ethnic Conflict In Iran, A Comparative Study* Department Politick Weten Schappam, K.U Leuven Ph.D Theiss.
22. Romano, D. (2002) "Modern Communication Technology in ethnic nationalist Hands: The case of the Kurds", *Canadian Journal of Political Science*, 35:127-149.
23. Smith, A. D. (1998) *Nationalism and Modernism*, London & New York, Routledge.
24. Vali, A. (1998) "The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics". *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 18(2):82-95.
25. Wimmer, Andreas (2003-2004)"*Democracy and Ethno-Religious Conflict in Iraq*", *Survival*, Vol.45, No .4.